

تگاهی به کتاب «عادات و آداب روزانه بزرگان: زنان نامی» کاشف آداب روزانه خودت باش

خادم آدم‌های بزرگ‌و مشهور، نویسندگان و هنرمندان و دانشمندان روزشان را چطور می گذرانند؟ چه عادات‌هایی دارند؟ آیا می شود از بررسی زندگی آن‌ها به فرمولی برای موفقیت دست پیدا کرد؟ این‌ها سوآلاتی بود که میسن کبری را واداشت تا برود به زندگی آن‌ها سرک‌بکشد. درواقع آن‌طور که خودش در مقدمه کتاب «عادات‌وآداب روزانه بزرگان» نوشته است، یک روز وقتی قفل شده و نمی‌توانسته داستانی را که قرار بوده روز بعد تحویل دهد تمام کند، شروع کرده به جست‌وجو در اینترنت تا ببیند برنامه کاری نویسندگان دیگر چگونه بوده و از روزشان چطور استفاده می کردند تا بهترین بازده ممکن را داشته باشند. بلکه او هم راهی پیدا کند برای درماندگی خودش. کبری به نتایج متفاوت و البته مفرحی رسید. وبلاگی به نام آداب روزانه راه‌انداخت و آن حکایت‌ها از عادات و آداب نویسندگان را -که بعد به هنرمندان و دانشمندان و آدم‌های موفق هم بسط پیدا کرد- در آن نوشت و در نهایت آن‌ها را در کتابی جمع کرد. کتاب اول او شامل ۱۶۱ نفر می‌شد که ۲۷نفر از آنان زنان بودند. کتاب دومش تلاشی بود برای کم‌توجهی‌ای که به زعم خودش در کتاب اول به زنان موفق داشت. او در مقدمه کتاب «عادات و آداب روزانه بزرگان: زنان نامی» نوشته است: «کتاب حاضر تلاشی است برای جبران نابرابری جنسیتی در کتاب اولم.»همچنین در توضیح انگیزه‌اش برای نوشتن این کتاب‌ها توضیح داده است که: «هدم این بود به چیزی بیش از امور پیش‌پاافتاده روشنفکرانه دست‌یابم، می‌خواستم کتاب اول عادات و آداب روزانه بزرگان چراغ راهی باشد برای کسانی که سعی می‌کنند به طرح‌های خلاقانه خود بپردازند و می‌کوشند به‌طور منظم برای اهداف خود وقت بگذارند یا به حالت روحی مناسب برای انجام کار برسند. من اغلب به‌عنوان نویسنده در چنین وضعیتی بوده‌ام، در نتیجه همیشه مشتاق بودم که بشنوم چگونه دیگران در ابتدایی‌ترین سطح، از پس کار خودبرمی‌آیند. آیا هر روز می‌نویسند یا نقاشی می‌کنند یا آهنگ می‌سازند، اگر چنین است، در عمل چقدر کار می‌کنند و چه وقت‌هایی شروع به کار می‌کنند؟ آیا تعطیلات آخر هفته را هم روز کاری به حساب می‌آورند؟ چطور به کار خود می‌رسند و هم‌زمان امرامعاش می‌کنند؟ آیا به‌قدر کافی می‌خوابند و به افرادی که در زندگی با آن‌ها در ارتباط هستند توجه می‌کنند؟ و یا فرض اینکه از عهده سامان‌دهی کارها برآیند، چگونه بر بحران‌های گذرای روحی خود فائق می‌آیند؟» میسن کبری، در کتاب دوم «عادات و آداب…» به کاوش در برنامه روزانه زنان موفق در عرصه‌های نویسندگی، نقاشی، آهنگ‌سازی، مجسمه‌سازی، علمی، فیلم‌سازی، و مجری‌گری پرداخته است.

● آیا فرمول مشترکی وجود دارد؟

در مقدمه کتاب «عادت و آداب…» آمده که پریچت نامی در سال ۱۹۴۱ در مقاله‌ای نوشته است: «بزرگ مردان دیر یا زود شبیه هم می‌شوند. آن‌ها هرگز کار را متوقف نمی‌کنند. حتی لحظه‌ای را هم از دست نمی‌دهند.» البته حرفش صددرصد درست نیست و استثناهای هم‌وجود دارند که اتفاقاً در هدر دادن وقت دست‌ودل‌باز بوده‌اند. نمونه‌اش کافکا، عادت‌ها بسیار متفاوت و گاهی متناقض‌اند: یکی برای جلوگیری از سرصدا از گوش‌بند استفاده می‌کرد و یکی با شش فرزندش که در اطرافش غوغا می‌کردند می‌نوشت. هنرمند دیگری هم اتاق خوابش را با شصت پرند پر می‌کرد که الهام‌بخش کارش باشند. از خواندن این فاصله بعد بین عادات می‌فهمیم که آداب یکسان و واحدی وجود ندارد، اما چیز دیگری هم دستگیرمان می‌شود. با خواندن آداب روزانه افراد موفق‌ی که کتاب به سراغ آن‌ها رفته، می‌شود به این نتیجه رسید که نکته‌ای هست که تقریباً در میان بیشتر آنان مشترک است، مهم نیست چه عاداتی دارید، مهم این است که عادت‌هایی داشته باشید. مقید بودن به برنامه‌ای می‌تواند آن را به عادت تبدیل کند. برای این کار باید قانونی برای خود تعریف کنید و به قانون خودتان احترام بگذارید. مثلاً اگر آدم شب‌هستید و وقتی همه در رختخواب هستند شروع به کار می‌کنید، این کار را ترک نکنید. یا اگر ساعت پنج صبح برای شما مناسب است، به آن بچسبید تا عادت شما شود. نظم داشتن و پشتکار از کلمات کلیدی در مسیر موفقیت است، چون اگر کسی نابغه نباشد شاید بتواند با نظم و پشتکار به موفقیت برسد اما اگر کسی نابغه هم باشد ولی پشتکار نداشته باشد، احتمال موفقیتش کم است یا موفقیتی که به دست می‌آورد نا پایدار خواهد بود.

نظم و مداومت با موفقیت ارتباطی مستقیم دارد. هر کس باید آداب روزانه خودش را کشف کند و به آن پایبند بماند.

عادات و آداب روزانه بزرگان: زنان نامی نوشته میسن کری ترجمه نسرين طباطبایی انتشارات فرهنگ جاوید چاپ اول ۱۴۰۲ ۳۹۲ صفحه، ۲۷۹ هزار تومان

زین قنبر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

- ناویراسته**
 - از فردا شب به بعد با توجه به حاکمیت باد های ۱۲۰ روزه که توام با گرد و خاک خواهد بود، هوای گرم به جنوب غرب منتقل می شود.**
 - ویراسته**
 - از فردا شب به بعد با توجه به ورود باد های ۱۲۰ روزه که توام با گرد و خاک خواهد بود، هوای گرم به جنوب غرب منتقل می شود.**
- نکته**
 - آیا واژهٔ «حاکمیت» برای چنین خبری سنگین نیست؟ وقتی دستمان از واژه خالی است، واژه‌ها را در جای خود به کار نمی‌بریم.**

#زین-قنبرپارسی

متن اختصریه

مخاطب محترم آگای کاتخم سلطنتی فرزند مهدی تابعت ایران الاشتهار مجهول المکان نظر به اینکه خانم فرزانه مرشدلو فرزند علیرضا با در دست داشتن دادنامه قطعی شماره ۵۵۵۶۰۱۴۰۵۳۹۰۰۱۴۰۱/۲۲۷۷-۱۴۰۱/۲۳۹۰۰ شماره بایگشی شعبه ۱۰۱۱۷۷ شعبه ۲۳ دادگاه خانواده مجتمع قضایی شهید مطهری شهرستان مشهد به این دفترخانه مراجعه و تقاضای ثبت واقعۀ طلاق رسمی فی مابین شما و خودش را دارد لذا بدین وسیله به شما اخطار می شود ظرف مدت یک هفته، روز ۱۶/۰۳/۱۴۰۲ ساعت ۱۲ با در دست داشتن مدارک هویتی به این دفترخانه به نشانی ایران- استان خراسان رضوی، مشهد، روبروی مطهری شمالی ۴۲ جنب داروفخانه دکتر اسماعیلی پلکان ۶۵۹ و نسبت به ثبت واقعۀ طلاق حسب مقدار رای صادره اقدام و در غیر این صورت وفق مقررات اقدام خواهد شد. سید هاشم مقدس، سر دفتر ازدواج ۴ و طلاق ۱۸ مشهد

مدح اولیا از رودکی تا ملک الشعرا بهار

شعر آیینی به گستره تاریخ شعر فارسی



علیرضا حیدری

درنگ

شاید تصور شود گونه ادبی که به آن «ادبیات آیینی» می‌گوییم، پدیده‌ای است مربوط به ادبیات پس از انقلاب. ازاین‌رو، گاهی آن را زیرمجموعه ادبیات انقلاب می‌خوانند. حال آنکه این گونه ادبی پیشینه‌ای به تاریخ شعر و ادبیات فارسی دارد و از نخستین دوره‌های سرودن شعر فارسی، شعر آیینی هم ظهور کرده است و به عنوان نمونه یادآوری می‌کنم که معروفی بلخی از رودکی سمرقندی (پدر شعر فارسی) چنین حکایت کرده است:

از رودکی شنیدم سلطان شاعران کاندر جهان به‌کس مگرو جز به فاطمی ویا «ناصرخسرو» می‌گوید: جان را ز بهر مدحت آل رسول گه رودگی و گاهی حسان کنم کسایی مروزی، شاعر قرن چهارم، شهرت بیشتری در سرودن شعر آیینی و شیعی دارد و اهل ادب به‌خوبی این را می‌دانند: تا زنده‌ای چنین کن، دل‌های ما حزین کن پیوسته آفرین کن بر اهل بیت زهرا یا

مدحت کن و بستی کسی را که پیمبر بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار فردوسی بزرگ که در دیباچه شاهنامه می‌سراید: اگر چشم داری به دیگر سرای به‌نزدنبی ووصی گیر جای وحکیم ناصرخسرو قبادیانی، شاعر و نویسنده قرن پنجم در جای جای دیوان شعر خود به پیامبر و خاندان پاکش ادای احترام کرده است:

نگر که دست که بگرفت مصطفی به غدیر که را امام هندی خوانود وفخر وزین و همام مرا امام هم از جایگه وصی خداست ز جایگاه نبی، مر تو را امام کدام؟ در این میان حتی شاعران اهل تسنن نیز در کنار نعت پیامبر، اشعاری کم و بیش در ستایش خاندان رسول خدا دارند که ماندگار شده است و می‌شود همه آن‌ها را در شمار ادبیات آیینی دانست، کسانی مانند عطار نیشابوری:

دوستی احمد و حب علی می‌کند آیینه دل، منجلی از علی‌آموز اخلاص عمل

شیر حق را دان منزه از دغل

در عصر صفوی و پس از آن با شاعران و شعرهای فراوانی روبه‌رو می‌شویم که با این گرایش

سروده‌شده است. البته پس از انقلاب سرعت و فراوانی اشعار آیینی با گرایش مدح و مرثیه بیشتر شد و امروز ادبیات آیینی یکی از گونه‌های جدی ادبی به شمار می‌آید.

البته اگر ادبیات آیینی را فراتر از مدح و مرثیه بدانیم- که چنین است-، بسیاری از شعرهایی که ماهیت دینی و اخلاقی دارند نیز در شمار ادبیات آیینی قلمداد می‌شوند.

پس از انقلاب ادبیات آیینی با نگرش شیعی و مدح و مرثیه پیامبر و خاندان رسالت، بیشتر به شاخه‌های شعر نبوی، شعر علوی، شعر فاطمی، شعر عاشورایی، شعر رضوی و شعر مهدوی تقسیم می‌شود.

در این میان شعر رضوی به دلیل اینکه امام‌رضا^(ع) میهمان ما ایرانیان است و توفیق میزبانی این امام مهربان را داریم، پرشمار و درخور اعتناست تا جایی که شاعری با نگرش ملی و حماسی، مانند اخوان ثالث هم اشعاری در ستایش حضرت رضا دارد:

علی‌بن موسی‌الرضا، ای شهی که بر درگهت کوس دولت ززند شهی کو جبین بر زمینت نسود بر او آسمان داغ نکبت ززند بسا شیرمردان که رویاه‌وار به خاکت سرعجز و خجلت ززند

چو بر پای خیزند کز رویان به سرشان گل فخر و عزّت زند مرانیز در یاب در «ری»، ز «توس» بگو تا نه تیغ ملامت ززند

که من زادهٔ خاک پاک توام رهی، تا که صور قیامت ززند غریبی تو آنجا، من اینجا غریب مهل کم چنین طعن غربت ززند

از این زاویه شاعرانی مثل ملک الشعرا بهار و قاسم رسا را می‌توان نام برد که در نعت حضرت رضا^(ع) اشعاری سروده‌اند و نیز شاعرانی مانند کمال، صاحبکار، قدسی، خسرو، مؤید، غفورزاده شفق، شکوهی، نیک، منوری، محدثی و شاعران جوان دیگری که در رثا و منقبت امام‌رضا^(ع) شعر سروده‌اند و امروز اشعار رضوی یکی از گنجینه‌های شعر آیینی شده است. چندین دفتر شعر رضوی منتشر شده است و چندین جشنواره و سوگواره برگزار شده که به مناسبت هر کدام، ده‌ها و بلکه صدها قالب شعری سروده شده است و جا دارد از میان این همه اشعار رضوی، دفتری گردآید که ناب‌ترین آن‌ها را برگزیند. البته در کنار شعر رضوی، ادبیات داستانی هم به ساحت حضرت رضا^(ع) ادای دین داشته است که در جایی دیگر می‌توان بدان پرداخت.



مردن هستند که به مسئله توسعه‌یافتگی آن‌طور که شایسته آن است، توجه نمی‌کنند. داوری در این میان یک استثناست. داوری می‌کوشد وضع خودمان و شرایطی که داریم را آشکار سازد، ما با داوری به یک نوع خودآگاهی تاریخی می‌رسیم. داوری ضرورت وجود نوعی از عقلانیت برای توسعه را درمی‌یابد. داوری می‌فهمد که با خرد انتزاعی که حاکم بر ذهن مسئولان است نمی‌توانیم توسعه پیدا کنیم.

موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، حسین کلباسی اشتري، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، محمدعلی فتح‌اللهی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، محمدجواد صافیان، دانشیار گروه فلسفه دانشگاه اصفهان و نگار داوری اردکانی، فرزند رضا داوری اردکانی از دیگر سخنرانان این همایش بودند.

رو به رو است. این یک مسئله صرفا اقتصادی و جامعه‌شناختی نیست بلکه یک موضوع فلسفی و متافیزیک است. ما برای توسعه‌یافتگی به عقلانیت نیاز داریم. ما باید به این موضوع بپردازیم که ارتباط امر توسعه‌یافته با تاریخ چیست؟ همچنین باید به این سؤال نیز بپردازیم که رابطه عقلانیت جدید و توسعه چیست؟ این استاد فلسفه با بیان اینکه اندیشیدن یا نیندیشیدن به امر توسعه‌یافتگی، معیار تفکر اصیل است ادامه داد: متفکر جدی نمی‌تواند نسبت به مسئله توسعه‌بی تفاوت باشد. از همین رو داوری اردکانی، از این جهت که به مسئله توسعه‌یافتگی می‌پردازد، یک متفکر اصیل است. عبدالکریمی خاطر نشان کرد: توسعه‌نا‌یافتگی مسئله دو قرن و نیم اخیر ماست و ما زودتر از این‌ها باید آن را به مسئله مهم امروز تبدیل می‌کردیم. انبوه اندیشمندان ما آن چنان درگیر مسئله بحران هویت و چالش‌های آن در وضعیت

ایام پیری شاعر است.

- داوری شجاعت اعتراف به اشتباه را دارد

آیت...م.مصطفی محقق داماد،نیز در این مراسم گفت: بحث در دنیای امروز و آنچه در سفره مردم مطرح می‌شود حقوق بشر است و فیلسوف اسلامی باید به آن پاسخ دهد. ما اگر مدعی نظام فلسفی هستیم باید حقوق بشر اسلامی را عرضه کنیم. منطقه خاورمیانه ام‌القرای دین است و دین مرز بسیار باریکی با خرافات دارد. نقطه مقابل با عقل گرایی، جهل است که یک دیوار بسیار نازکی بین آن و بینش قرار دارد.

این حقوق‌دان و عضو پیوسته و رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم ایران، ادامه داد: حکیمان، جامعه‌دینی را از جهل نجات می‌دهند و آشنا کردن جامعه با خرد نیز کار حکیمان است. همچنین خرد دین‌داری کردن و دین‌داری خردورزانه از ویژگی‌های حکیمان است. باید تمرکز را روی این امر قرار دهیم.

این استاد فلسفه با بیان اینکه یکی از مشکلات و چالش‌های مهم مسئله ورود اندیشه‌ورزی، تعقل، حکمت و خرد در فهم دینی است تأکید کرد: فکر انسان را رشد و تعالی می‌دهد و داوری یک متفکر است و متفکر آن است که اگر دید می‌تواند حرفش را عوض کند، آن را تغییر دهد.

او شجاعت اعتراف به اینکه فکرم اشتباه بوده را داشته است. استاد داوری تحمل بحث و اشکال را همواره دارد و این امر روحیه‌ای عالی است که باید در همه اهل اندیشه وجود داشته باشد.

- داوری اردکانی یک متفکر اصیل است

بیژن عبدالکریمی از دیگر سخنرانان این همایش بود که صحبت‌هایش در باره مسئله توسعه‌نا‌یافتگی و فعالیت داوری اردکانی در این حوزه بود. او گفت: توسعه نا‌یافتگی یک مسئله جهانی است و بخش عظیمی از جهان با آن

